

وجودیت هنر در رابطه با هنرهای وابسته به آن

محمد دبدبه^{۱*}، مجید رضوان پناه^۲، شبنم دبدبه^۳،
امید شاطری^۴

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۲۶
تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۰۳
کد مقاله: ۵۶۸۹۰

چکیده

وجودیت هنر را می‌توان از تخیل انسان مورد تجلی قرار داد به بیانی دگر انسان می‌تواند با جذابیت وجودیت هنر در رابطه با هنرهای وابسته به آن نهان پیدا می‌کند و با آن نقش چشمگیری در زندگی پدید آورد. هنر در رابطه با هنرهای بصری وابسته دیگر توأمان با تاریخ، فرهنگ، مذهب، جغرافیا و سیاست در بین هنرها مشخص می‌گردد همچنین هنر چیزی فراتر از پیش معماری، نقاشی، مجسمه‌سازی و لاغیر می‌توان مدنظر قرار گرفت. بحث هنر همان‌طور که گفته شد چیزی فراتر بوده که در این پژوهش به قسمتی ناچیز هنر پرداخته، که بیان‌کننده آشنایی با قسمتی از چستی هنر از شناخت و ارزیابی هنر از زمان و مکان مورد تبیین قرار گرفته شده است. منشأ هنر و آفرینش هنری در نزد پروردگار توسط خلیفه الهی یعنی انسان، با الهام آفرینشات در وجودیت هنر به‌نمایش گذاشته می‌شود و نقش مهمی در ایفای خلاقیت، کمال، زیبایی، و از همه والاتر تخیلات انسان که منشأ آفرینش‌های هنری در عالم هنری بوده همچنین کارکرد هنر تمایزی بین فرم و تأکید بر وجود مخاطب‌القاء می‌نماید و تا ادراکات حسی بر وجود انسان بازگو می‌کند که این موضوع سیطره هویت او می‌باشد. هنر ابزاری مؤثر در به تحقق رسیدن معنای اثر هنری بوده و شیوه تهیه این ابزار متأثر از وجود انسان هنرمند بوده و این نتیجه زحمات هنرمند در تأثیرات خود با اثر تبیین می‌گردد. روش تحقیق در این پژوهش با استفاده از نوع روش تحقیقی توصیفی - تحلیلی بهره گرفته که سعی گردیده با جمع‌آوری و گردآوری اسناد و اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و مستندات مکتوب براساس موضوع روند پژوهش با مفاهیم مرتبط استوار و با بررسی دقیق مورد واکاوی - تجزیه و تحلیل داده‌های اطلاعات، استخراج گردیده برخوردار می‌باشد. بنابراین وجودیت هنر در رابطه با هنرهای وابسته به آن امری گسترده بوده که با این پژوهش تلاش گردیده تا به موضوع هنر دیدگاهی گسترده‌تر تبیین گردد تا ابزاری منحصر به فرد برای پدیده‌های سایر آفرینش‌ها برخوردار گردد. هنر رابطه مستقیمی با تفکرات آدمی در هر دوره تاریخی بوده و نمی‌توان آن‌ها را از یکدیگر جدا نمود حال آنکه خلق اثر با تخیل انسان هنرمند باشد آن اثر تضمینی برای اهداف هویت بقاء انسان در سیطره تاریخ به حساب آمده و در درگاه عالم هستی جاودانه خواهد ماند.

واژگان کلیدی: وجودیت هنر، تخیل، انسان، هنرهای وابسته، آفرینش هنری

- ۱- کارشناسی ارشد معماری داخلی، پژوهشگر و تحلیل‌گر و نظریه‌پرداز فعال حوزه تخصصی معماری/معماری داخلی (مسئول مکاتبات) mohammaddabdabeh@yahoo.com
- ۲- کارشناسی حسابداری، تحلیل‌گر و معامله‌گر بازارهای مالی فعال حوزه کریپتوکارنسی و فناوری بلاکچین
- ۳- دانشجوی کارشناسی ارشد بازیگری، مؤسسه آموزش نبی اکرم (ص)، تبریز، ایران
- ۴- کارشناسی ارشد معماری داخلی، پژوهشگر معماری/معماری داخلی

هنر یک «احساس خاص»^۱ بوده که همراه انسان^۲ هنرمند به انسان به وجود می‌آید به بیان دیگر نوعی پیوند معنوی^۳ بین هنر و انسان هنرمند در آثار هنری خلق^۴ می‌گردد و آن را برای درک همگان با سیرتی رسا به تماشا می‌گذارند و آن را به صورت فرم^۵ معنا^۶ و مفهوم درکی^۷ در فهم مخاطبان جای می‌دهند و می‌توان گفت هنر وجودیت آفرینش^۸ با خلق، خلق‌کننده او بوده و این موضوع را نمی‌توان انکار از یک ماده هنر درهم‌آمیخته مدنظر قرار گرفت. طوری که هنر یکی از مهم‌ترین ویژگی و خصوصیات آفرینش در خلقت بشریت در جهان هستی به‌شمار می‌آید و آن را نمی‌توان بدون حضور انسان از جهان به واسطه درگاه عالم حق جدا نمود.

هنر یک پدیده‌ای کهن و آغاز آن را می‌توان به زندگی بشر و هبوط آدم (انسان)، به عالم خاکی (زمین)، همسو با سخن و ناله‌های انسان و فرزندانش با فرشتگان خدا، که روایت از غلبه حضور و شهود بوده و نخستین صورت معنی هنری در قالب زیبایی و نوای صدا دل‌نشین از الهامات موسیقی درنظر قرار گرفت (مددپور، ۱۳۸۳: ۳۸۵-۳۵). رابطه هنر و توانایی تولید هنر یک نوع باور به دانش و هنر بومی متناسب با فرهنگ^۹، مذهب^{۱۰} - سنت و غیره از کیفیت جهان‌بینی و فرهنگ جامعه در تضمین بهره‌مندی با شیوه‌های ساختاری با ذهنیات و عینیات باعث رشد و پویایی پایدار در جامعه شامل گردد (نقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۲-۴). طوری که ساختار ذهنی^{۱۱} هر انسان نتیجه تعامل نیروهای بالقوه ذهنیات او با عینیات به حساب می‌آید به تعبیری دیگر یعنی ادراک^{۱۲} با عوامل به ذهنیت تبدیل می‌گردد و دریافت‌های ذهنیت^{۱۳} دریافت‌هایی می‌باشد که ماهیت^{۱۴} را با اثر متفاوت تلقی می‌گردد لذا نسبت‌های فهم طبق مؤلفه‌هایی که ذهنیت هر انسان با ذهنیت دیگران متمایز بوده و فهم‌های نسبی، نسبت به نگرش‌ها فعلیت پیدا می‌کند صورت هنری و محتوای اثر هنری امری قابل مناقشه و چیزی جدایی‌ناپذیر از یکدیگر تلقی بیان می‌شود.

هدف از فلسفه تحلیلی وجودیت هنر^{۱۵} کشف اشیاء با مفاهیمی ایجاد تفکر درباره هنر با مفهوم خود هنر و بازنمایی بیان فرم هنری و زیبایی‌شناسی - زیبایی‌شناختی^{۱۶} بوده است. درک این مفاهیم، سهم مهمی در زندگی با رویاروی در شکل ساختاری با مفهوم آثار و محصول هنری با ارائه طبقه‌بندی اشیاء خاص و نمایش آن به‌عنوان هنر مدنظر قرار گرفت. وجود آثار هنری را می‌توان در شکل‌گیری زیبایی‌شناسی - زیبایی‌شناختی در برداشته‌های انسانی از محیط در نقاشی^{۱۷}، معماری^{۱۸}، مجسمه‌سازی^{۱۹}، پیکرتراشی^{۲۰}، ادبیات^{۲۱}، نمایش^{۲۲}، فلسفه^{۲۳} و غیره مشخص نمود و از آنجا که کار واقعی هنر همان چیزی است که محصول با انسان تجربه می‌شود و هنگامی که یک محصول هنری از شرایط انسانی منشأ و عملکرد^{۲۴} در تجربه انسانی جدا گردد اطراف آن دیواری ساخته می‌شود که با مبهم سروکار خواهد داشت لذا هنر به قلمرو جداگانه‌ای منتقل می‌شود، جایی که از آن ارتباط با مواد و اهداف هر شکل دیگری از تلاش بشر، درحال تحقق و دست‌آورد جدا می‌شود. همچنین وظیفه اصلی به کسی که متعهد به نوشتن فلسفه وجودیت هنر باشد، تحمیل می‌گردد و کسی که پیامدهای مختلف مشهود بوده است را به‌جای آورد که نظریه‌پردازی هنرهای زیبای فلسفی^{۲۵} مایل به اعطای این مقام می‌باشد، حتی اگر به‌صورت موقت باشد. برای درک معنای محصولات هنری، باید آن‌ها را برای مدتی فراموش کنیم، از آن‌ها دور شویم و به نیروهای عادی و شرایط تجربه متوسل شویم که معمولاً آن‌ها را زیبایی‌شناسی نمی‌دانیم و بعد از گذشت روزها، ماه‌ها، سال‌ها و غیره به درک آن‌ها در وجودیت انسانی به‌خودی‌خود به‌دست آوریم. اصطلاح زیبایی‌شناسی معنای متنوعی دارد به زبان عادی مردم غالباً به زیبایی‌شناسی چنین و به‌همین ترتیب مراجعه می‌کنند، مثلاً زیبایی‌شناسی به‌طورکلی به معنای چیزی به‌مانند اصول هنری نگریسته می‌شود یک خواننده و شنونده نیز می‌تواند به معنای زیبایی‌شناسی دست داشته باشد. تعریف زیبایی‌شناختی هنر را می‌توان از نظر حساب محوری و تجربه زیبایی‌شناختی یا تأثیر محور تأثیرپذیری مدنظر قرار گرفت که البته این دو (زیبایی‌شناسی - زیبایی‌شناختی)، قابل اتصال بر یکدیگر هستند.

آفرینش هنراسلامی^{۲۶} در دوره‌های مختلف تاریخی قلمروهای علاوه بر معماری، بر حوزه عرفان^{۲۷} - شعر^{۲۸}، مجسمه‌سازی، موسیقی^{۲۹} و سایر هنرهای اسلامی بسیار مورد توجه و جلوه فطرت^{۳۰} انسان بر روی این آثار بوده است. می‌توان گفت هنراسلامی در تمدن و فرهنگ‌های اسلامی قابلیت ستایش در قالب هنری از رهیافت روش‌های مختلف گوناگون متنوع تحقق می‌یابند همچنین هنراسلامی را می‌توان از تحقق اهداف، و تحلیل‌های تاریخی و پدیدارشناسی^{۳۱} تفسیر نمود (فرامرزقراملکی، ۱۳۸۳، ۱۶۵-۱۵۰). ویژگی اصلی و تعیین‌کننده هنر در جایی که وجودیت آن از نظر نمایندگی تقلید^{۳۲} و قابل درک باشد می‌توان نقش هنرمند را در کنار هم نگه‌داشت. مفاهیم نهان در یک اثر هنری با خلق فضایی با دنیای خیالی بوده است و می‌توان باور داشت، این مفاهیم هستند که به تصورات ذهنی^{۳۳} در خلق فضاهای عینی^{۳۴} کمک می‌کنند، چنانچه اگر مفاهیم را از یک اثر هنری جدا کنیم بی‌شک با پیکره‌ای از بیهودگی‌ها روبه‌رو خواهیم شد. این معرفت^{۳۵} با مفاهیم ژرف‌تری در ارتباط بوده که در دنیای امروزی کم‌رنگ شده ولی در ادبیات و فلسفه هنر به‌خوبی قابل مشاهد می‌باشد. با توجه به اهمیت مفاهیم ذهنی و افزایش میزان به‌کارگیری این مفاهیم در هنرهای گوناگون، به‌نظر می‌رسد استفاده از آن‌ها به‌عنوان یک ابزار در دست هنرمندان، امری ضروری بوده و خواهد بود و است. بنابراین فرم در هنر مفهومی^{۳۶} مهمی برای صحبت در مورد هنر بوده است هیچ‌کس نمی‌تواند این موضوع را انکار کند هرچند که

نمی‌توان ویژگی تعیین‌کننده برای تمام هنرها به عمل آورد. طوری که هیچ‌کس شکل قابل توجهی و نه شکل نامناسب ویژگی اساسی هنر نیست و نخواهد بود. هنر، هنر در وجود خود آن اثر هنر بوده است.

۲- پرسش‌های تحقیق

- ۱- وجودیت هنر چیست؟
- ۲- چیستی هنر؟
- ۳- فلسفه هنر؟
- ۴- حکمت هنراسلامی در وجودیت هنر در چه چیز نهفته است؟
- ۵- رابطه هنر با سایر هنرها در چیست و تلفیق آن با محیط چه تأثیری بر روی وجودیت هنر دارد؟
- ۶- ماهیت وجودی هنر در رابطه با هنرهای وابسته از چه تخیلی سرچشمه می‌گیرد؟
- ۷- آیا وجودیت هنر در رابطه با هنرهای وابسته تأثیرپذیر بوده است؟
- ۸- آیا وجودیت هنر با شناخت هنرهای دیگر محقّر می‌باشد؟
- ۹- و آیا هنر را می‌توان با ایدئولوژی مؤثر در خلق آثار هنری مطرح کرد؟

۳- فرضیه‌های تحقیق

وجودیت هنر در رابطه با هنرهای وابسته به آن قابلیت هويت گذشته انسان با پدیده‌های هنری، معماری، موسیقی، ادبیات و غیره را با وجودهای تجلی با محوریت ماندگاری اثر در حفظ جاودانگی را در هر زمان و مکان با وجود حس مکان - روح مکان را با حفظ ارزشمندی برخوردار می‌باشد.

استفاده از وجودیت هنر در آثار در سیطره وجودیت تاریخ بشریت در دوره‌های گوناگون تاریخی با رویکردهای آفرینش اثر باعث جاودانه شدن و نیز ارزشمند شدن هرچه بیشتر زیبایی‌ها را در می‌توان در تاریخ توأمان تجربه و لمس (وجودیت هنر با وجودیت انسان)، کرد را دارد.

استفاده از هنر توسط هنرمند در ارائه آثار هنری می‌توان علاوه بر ماندگاری و جاودانگی در ایجاد حس انسانی در رفتار و ادراک انسانی به طریق بینایی یک تجربه منحصر به فرد با الحاقات انسانی و پیوستن با درگاه عالم حق را داشت.

۴- اهداف تحقیق

با استفاده از محوریت موضوعی و رویکردهای اثرهای هنر در معنایی و مفهومی بودن وجودیت هنر می‌توان نوعی هویت‌ساختاری در جهت کمال انسانی به‌عنوان نماد و نشان هویت‌مندی در جوامع که در رابطه با هنرهای وابسته در جهان هستی به عالم آفرینش در هنر به‌دست آوریم.

با بررسی و مشخص نمودن تحقق اهمیت اهداف در وجودیت هنر با استفاده از رابطه‌های آن با هنرهای وابسته به آن در تاریخ و معرفی هرچه بیشتر آن، فرصتی برای ارزشمندی با الگو و فرم‌های ساختاری جهت تعیین و تبیین اهداف برنامه‌های وجودی در رابطه با هنر می‌توان برخوردار گردد.

عدم از بین رفتن هنر از جمله وجودیت هنر در رابطه با هنرهای وابسته به آن می‌توان نوعی آرامش به‌صورت روحی - معنوی با واژه هویتی در انسان نهان پیدا می‌کند.

۵- پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی در باب خاستگاه وجوبیت هنر و تجلی آن صورت گرفته که در این پژوهش به رابطه آن با سایر هنرها از لحاظ معنایی و مفهومی مورد بررسی انجام گرفته شده می‌باشد را برخوردار بوده است. روند پیشینه صورت گرفته شده می‌تواند تا حدی جوابگوی روند پژوهش حاضر را به وسیله دانش نویسندگان به‌عمل آورد. طوری که براساس (جدول ۱)، و (جدول ۲)، برای روند بهره‌وری - بهره‌مندی مؤثر مورد بررسی / مطالعه، و واکاوی قرار گرفته و از دانش و برداشت‌های تأثیرگذار در روند موضوع پژوهش بهره جسته را دارا می‌باشد.

جدول ۱- مستندات مکتوب مورد مطالعه براساس موضوع پژوهش (مأخذ: جمع‌آوری توسط نگارندگان)

اسناد کتب‌های مرتبط با موضوع پژوهش حاضر داخلی - خارجی (ترجمه شده)			
نویسندگان	سال	عنوان	توضیحات استنتاجی
هوروست ولدمار جنسن ^{۳۷} اتنونی ف جنسن ^{۳۸} ترجمه: محمدتقی فرامرزی ^{۳۹}	۱۳۹۴	تاریخ هنر جهان	- بررسی جامع تاریخ هنر جهان - جهان باستان - سده‌های میانه - از رنسانس تا رنسانس نو - عصر جدید (جنسن، جنسن، ۱۳۹۴: ۱۰۸۰-۴۹).
مریلین استاکستاد ^{۴۰} ترجمه و تدوین: به‌رادر امین سلماسی ^{۴۱} آناهیتا مقبلی ^{۴۲}	۱۳۹۶	تاریخ هنر (به انضمام مختصر عناصر معماری دوران)	- بررسی جامع تاریخ هنر - هنرماقبل تاریخ - هنر بین‌النهرین و مصر - هنر اولیه در آسیا - هنر منطقه اژه - گسترش هنر و فرهنگ یونان و ایران - هنر امپراتوری روم - هنر یهودیت، اوایل مسیحیت و بیزانس - هنر اسلامی - هنر معاصر آسیای - هنر اوایل قرون وسطی و سبک رومی - هنر گوتیک - هنر اوایل رنسانس - هنر اوج دوره رنسانس و جریان اصلاحات - هنر باروک و روکوکو - هنر آمریکا - هنر آفریقا - نئوکلاسیسم، رومانسیسم و رئالیسم - هنر اواخر قرن نوزدهم در اروپا و آمریکا - هنر مدرن: اروپا و آمریکای شمالی در قرن بیستم - هنر از سال ۱۳۴۵ تا اوایل قرن ۲۱ (استاکستاد، ۱۳۹۶: ۵۳۶-۳۶).
آرنولد هاووزر ^{۴۳} ترجمه: محمدتقی فرامرزی	۱۳۹۷	فلسفه تاریخ هنر	- بررسی جامع فلسفه تاریخ هنر - آغاز سخن: گسترده و محدودیت‌های جامعه‌شناسی هنر - نگرش جامعه‌شناختی: مفهوم ایدئولوژی در تاریخ هنر - استنباطات فلسفی تاریخ هنر: تاریخ «بی‌نام هنر» - لایه‌های تحصیلی در تاریخ هنر: هنر قومی و هنر مردمی - نیروهای ستیزنده در تاریخ هنرها: نوآوری و میثاق‌ها (هاووزر، ۱۳۹۷: ۴۹۰-۱۳).
هلن گاردنر ^{۴۴} ترجمه: محمدتقی فرامرزی	۱۳۹۸	هنر در گذر زمان با تجدید نظر: هورست دلاکروا و ریچارد ج. تنسی	- بررسی جامع مبانی تاریخ هنر/ دیباچه - دنیایی کهن - سده‌های میانه - رنسانس و باروک - دنیای نوین - دنیایی غیر اروپایی (گاردنر، ۱۳۹۸: ۷۷۵-۱۳).

جدول ۲- مستندات مکتوب مورد مطالعه براساس موضوع پژوهش (مأخذ: جمع‌آوری توسط نگارندگان)

اسناد مقوله‌های مرتبط با موضوع پژوهش حاضر			
نویسندگان	سال	عنوان	توضیحات استنتاجی
سعید عظمی ^{۴۵}	۱۳۹۳	هنر محیطی	- بررسی هنر محیطی به‌عنوان هنر جدید از نقد کتاب «هنر محیطی» - نگرشی نو در رابطه انسان با طبیعت - ارائه راهکارهای همزیستی انسان با محیط - می‌توان مدنظر قرار گرفت که هنر محیطی به محیط و منظر غنا می‌باشد و در عرصه‌های عمومی همسو با خود متجلی می‌گردد - بنابراین می‌توان نتیجه گرفت هنر محیطی یک هنر کلی با تمام گرایش‌ها هنر پرداخته گردیده شده می‌باشد (عظمی، ۱۳۹۳: ۱۱۲-۹۱).
احمد جولای ^{۴۶} ابوالفضل حداد ^{۴۷}	۱۳۹۴	بررسی و نقد کتاب جامعه‌شناسی هنر	- بررسی هنر از نظر درون‌مایه‌ای موجود در آثار هنری از نقد کتاب «جامعه‌شناسی هنر» - معرفی نکات مهم با محوریت جدید در محور پژوهشی - واکاوی و شفاف‌سازی و تصریح آن - روشن‌سازی ساختاری و رفع نقص‌های موجود (جولای، حداد، ۱۳۹۴: ۹۱-۸۱).
محمدرضا مریدی ^{۴۸} معصومه تقی‌زادگان ^{۴۹} هادی عبداللهی ^{۵۰}	۱۳۹۲	تحلیل گفتمان‌های هنر در ژئوپولیتیک جهان اسلام ^۱	- بررسی زبان مشترک هنر بین فرهنگ‌ها و تأکید آن بر آفرینش هنر - جریان جهانی شدن، بومی‌گرایی و منطقه - احیاء هنر اسلامی - هنر جهانی - مقاومت فرهنگی - فرهنگ جهانی (مریدی، تقی‌زادگان، عبداللهی، ۱۳۹۲: ۹۷-۷۳).
هادی صادقی ^{۵۱}	۱۳۹۲	ویژگی‌های هنر زمینه‌ساز	- بررسی تعاریف هنر، زیبایی، خیال، فرایند تخیل - نقش هنرمند در اثر و تأثیر آن و عوامل خیال - ابعاد گوناگون هنر - هویت انسان در پرتو خود او (صادقی، ۱۳۹۲: ۶۴-۴۵).
فردوس حاجیان ^{۵۲}	۱۳۹۱	هنر و خرد	- بررسی رابطه هنر و انسان در طول تاریخ - انواع متفاوت هنری - نقش هنر در زندگی به‌عنوان مهم‌ترین عامل (حاجیان، ۱۳۹۱: ۱۴۶-۱۲۹).

۶- روش تحقیق

پژوهش مورد مطالعه حاضر به‌لحاظ روش تحقیقی، از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد که در درجه نخست با کاوش و تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیقی آن‌ها را مورد واکاوی دقیق قرار گرفته و همچنین جمع‌آوری و گردآوری داده‌ها و اطلاعات از روش اسناد - کتوب و متون کتابخانه‌ای و مستندات - اسناد مکتوب بهره گرفته شده است که در این مرحله به لحاظ نمود تجلی هنر در به وجود آمدن وجودیت هنرها و رابطه آن با هنرهای وابسته به آن از لحاظ ارزشمندی در تمدن‌های تاریخی مختلف جهان با سیطره ویژگی‌های گوناگون منحصربه‌فرد و خصوصیات بارز معنا و مفهوم هنر پرداخته گردیده شده است. طوری که در امر تسری اهداف پژوهش با بررسی و علل‌های وجودیت هنر و رابطه آن با هنرهای وابسته به آن در کالبد و اداراک و ساختار با زیبایی‌شناسی - زیبایی‌شناختی به زیبایی جاودانه به استدلال هویتی در وجودیت هنر و هنرمند به بالاترین درجه در آفرینش آن با وجود خداوندگار - انسان به تبیین عملکردی به تحقق خارق‌العاده پدید آید و توجه هر مخاطبی را با وجود بوطیقای روح‌فضا - روح‌مکان به خود جلب توجه کند و گامی تأثیرگذار در تأثیرپذیری حس‌ها در حس‌های انسانی در زمان، مکان و فضا به هویت برخوردار گردد.

۷- تعاریف «وجودیت - هنر»، از دیدگاه صاحب‌نظران

بررسی و مطالعات صورت گرفته شده در پژوهش حاضر در مورد دیدگاه‌های مختلف و گفته‌های متفاوت صاحب‌نظران در مورد وجودیت هنر و تعریف هنر می‌توان به عملکردهای آن طبق (جدول ۳)، اشاره نمود و در جهت بهره‌مندی از وجود هنر در رابطه با هنرهای وابسته به انسان به یک ایدئولوژی^{۵۳} متصور،^{۵۴} برخوردار گردد.

جدول ۳- برخی از دیدگاه‌های صاحب‌نظران در وجودیت هنر (مأخذ: جمع‌آوری توسط نگارندگان)

ردیف	برخی از دیدگاه‌ها در رابطه با ساختار هنر - (سیری در وجودیت هنر)	
	نظریه پردازان	دیدگاه نظریه پرداز - استنباط نگارندگان
۱	محمد دبدبه ^{۵۵}	- (در رابطه با «هنر - اثر - معماری»، وی معتقد است: «هنر»، فرایندی با محتوا و شکل‌های از تخیل هنرمند، که تبدیل به «اثر»، گردیده که هنر را می‌توان حماسه‌ای برای لذت هنری برای انسان دانست و رابطه هنر با «معماری»، برای معماران در سیطره تاریخ نوعی احساس جاودانه بین هنر و معماری انسان و بنا با پیوندی فراتر از آفرینش فضا بوده است.
۲	مجید رضوان پناه ^{۵۶}	- (در رابطه با «هنر - هویت - تجارت»، وی معتقد است: به‌طور کلی می‌توان «هنر» را به‌مثابه «هویت»، دارای دو رویکرد دانست یکی هنر درونی (زیبایی)، و دیگری هنر بیرونی (اثر)، که در رابطه با هنر «تجارت»، که هنر انسان نیست بلکه اثر هنر انسان با ماهیت آن است که «هنر» را تبدیل به یک پدیده خارق‌العاده با ویژگی‌های منحصر به فرد می‌کند.
۳	شبنم دبدبه ^{۵۷}	- (در رابطه با «هنر - نمایش - طراحی»، وی معتقد است: «هنر»، پدیده‌ای برای «نمایش»، بوده که «طراحی»، آن توانسته مرزها را درهم بشکند و با حقایق زیبایی‌شناسانه در اندیشه‌های انسانی با صورتی اسرارآمیز انسان را به‌سوی رابطه‌های هنری هدایت سازد.
۴	سیدحسین نصر ^{۵۸}	- (در رابطه با «هنراسلامی»، وی معتقد است: «هنراسلامی»، نمونه‌ای از تمدن سنتی است که در آن می‌توان به‌وضوح حضور قواعد لایتغیر مشخصی را مشاهده کرد که بر کل تمدن چه در زمان و چه در مکان سیطره داشته می‌باشد. همچنین هنراسلامی چیزی جز انعکاس روح در عالم ماده و بلکه جزء صورت وحی قرآنی نیست.
۵	پاول وود ^{۵۹}	- (در رابطه با «هنر مفهومی»، وی معتقد است: نخستین شکلی که یک تحقیق فلسفی درباره «هنر مفهومی»، به آن مواجه می‌شود این است که ناگزیر است به جداسازی موضوع یا حداقل طبقه سوژه مورد بررسی بپردازد. به بیان دیگر می‌توان گفت اصلاً روشن نیست که حدود و مرزهای هنر مفهومی باید کجا نصب شود.
۶	هاوارد کیگیل ^{۶۰}	- (در رابطه با «اثر هنری»، وی معتقد است: «اثر هنری»، تنها به وسیله عیب‌جویی کامل می‌شود و لایه‌های پی‌درپی خود را برای فهم راز درونی‌اش باز می‌گشاید. طوری که این روند کامل شدن به بهای تباهی لایه بیرونی اثر هنری یعنی همان زیبایی تمام می‌شود (کیگیل، کول، ۱۳۸۰: ۴۶).
۶	تیتوس بورکهارت ^{۶۱}	- (در رابطه با «هنر»، وی معتقد است: «هنر»، عبارت‌انداز: ساخت و پرداخت اشیاء بر وفق طبیعت‌شان، که خود حاوی زیبایی بالقوه بوده است. هنر فقط روشی برای شرافت روحانی دادن به ماده است (بورکهارت، ۱۳۶۹: ۱۳۴).
۸	ملاصدرا ^{۶۲}	- (در رابطه با «منشأ هنر»، وی معتقد است: خلیفه الهی بودن انسان، عرضه شدن هنرها به انسان‌ها در عوالم و نشئه‌های پیشین آفرینش، الهام، گرایش‌های غریزی به‌ویژه میل به عرضه و به‌نمایش گذاشتن آثار و خلاقیت‌ها، میل به اتمام و اکمال آثار و آفرینش‌ها، میل به تزئین و زیباسازی آثار و تجلیات طائر قدسی از جمله «منشأ هنر»، می‌باشد.
۹	ژل دولوز ^{۶۳}	- (در رابطه با «ارتباطات و خلاقیت هنر»، وی معتقد است: هیچ ابزاری هنری را نمی‌توان ابزاری ارتباطی دانست. اثر هنری هیچ ربطی به «ارتباطات»، ندارد و ابداً اطلاعی را در خود حمل نمی‌کند. برعکس، رابطه‌ای بنیادین میان اثر و کُنش مقاومت وجود دارد که اگر بخواهیم رابطه میان «خلاقیت هنر» و ارتباطات فرض کنیم در همین کُنش مقاومتی بیابیمش.
۱۰	کلود لوی استروس ^{۶۴}	- (در رابطه با «نقش متناقض آزادی در خلاقیت هنری»، وی معتقد است: برای آنکه «نقش متناقض آزادی»، مفهوم و محتوای حقیقی داشته باشد، نباید و نمی‌توان آن را در خلأ تجربه کرد. آزادی، همواره به معنای رودررویی با موانع و از سر برداشتن آن‌ها بوده است. اثر هنری توانا با «خلاقیت هنری» از قواعدی ریشه و شکل می‌گیرد که این موضوع مشکلات را پشت سر می‌گذارد تا بتواند از زایش یافته و قواعد جدیدی را به‌نوبه خود جایگزین‌شان کند.

وجودیت هنر چیزی متنوع‌تر از آن است که طبق (جدول ۳)، تعریف به‌عمل آمده می‌باشد که براساس کیفیت اثر هنری سبب مؤلفه‌های اثری هنری می‌گردد و هر اثر هنری را می‌توان تصویری واقع‌گرایانه از زندگی انسان با یک کیفیت خاص در نظر گرفت بر همین اساس صاحبان نظریه‌پردازان این حوزه قرن‌ها درگیر این مبحث قدرت‌مند منحصربه‌فرد^{۶۵} با کیفیات اهمیت‌آور در فهم آثار هنری بوده‌اند. برای سرانجام رسیدن نظریه‌های هنر در این پژوهش می‌توان به نظریه‌های چون تقلیدگرایی،^{۶۶} عاطفه‌گرایی،^{۶۷} صورت‌گرایی،^{۶۸} ابزارنگاری^{۶۹} و نهادگرایی^{۷۰} اشاره نمود که برای تبیین این موضوع براساس (جدول ۴)، مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته شده است.

جدول ۴- نظریه‌های رایج هنر (مأخذ: جمع‌آوری توسط نگارندگان)

ردیف	[...] هنر [...]
۱	تقلیدگرایی: می‌توان گفت تقلید از اثر هنری یا شبیه‌سازی در رابطه با دنیایی واقعی می‌پردازد. مانند نقاشی‌ای از یک دریاچه که به دریاچهای واقعی می‌ماند. همچنین در تقلیدگرایی آن چیزی که واقعی به‌نظر نرسد ارزش توجه ندارد.
۲	عاطفه‌گرایی: می‌توان گفت وجه اثر هنری کیفیت بینایی اعم از: احساس، فکرت، معنا که به انسان مخاطب منتقل می‌کند. به‌طوری‌که هنری - اثری از یک چیزی از دنیایی واقعی را به‌تصویر نمی‌کشد.
۳	صورت‌گرایی: می‌توان گفت پاره‌ای از فیلسوفان نظیر چون افلاطون تأکید بر زیبایی شیء و ارزش آن در مقام اثر هنری مبتنی بر صورت یا ویژگی‌های صوری آن بوده است. همچنین صورت در هنرها نحوه خاصی از تنظیم عناصر و اصول طراحی در قالب هنری بوده است.
۴	ابزارنگاری: می‌توان گفت مهم‌ترین وجه اثر هنری وجه سودمندی آن بوده است طوری‌که اثر هنری خدمت کارکردی عملی مانند آموزش - دینی - اخلاقی باشد. آثار هنری از جمله رمان، فیلم، نقاشی که صحنه‌های زندگی رهبران دینی را به‌تصویر یک مثالی از ابزارنگاری هنری‌اند.
۵	نهادگرایی: می‌توان گفت که این نوع از نظریه جمعی از فیلسوفان، نظریه‌پردازان و صاحبان نمایشگاه هنری بوده که تعیین می‌کند کدام شیء را باید یک اثر هنری نامید.

۸- هنر و افلاطون^{۷۲} در رابطه با دانش و حقیقت

هنر مورد پذیرش افلاطون، هنری مبتنی بر دانش است. طوری‌که صورت‌گرایی از تخطی تقلید می‌کند که ساخته درودگر بوده است و نه ساخته خداوند صانع، درودگر نیز دانش درودگری دارد درحالی‌که تصویر تخت نه تخت ملموس است و نه نمودار حقیقی فراسوی تخت ملموس صورت‌گیری می‌داند ولی فاقد الهام بوده و نمی‌توان گفت برای کشیدن تصویر تخت ملموس از فرشتگان هنر الهام گرفته است پس ساختن تخت نیازمند هنر و دانش است و صورت‌گری نیازمند دانش دیگری پس صورت‌گر همانند شاعر تراژدی‌نویس از روی دانش هنر نمی‌ورزد. در نتیجه می‌توان صورت‌گر یا شاعر چنان دانش ساختن می‌دانست خود چیزها، شیء‌ها را می‌ساختن به همان‌گونه که درودگر تخت ملموس را می‌سازد و خداوند خود تخت یا نخستین نمونه ملموس آن را در قیاس با سازنده الهی و سازنده بشری، صورت‌گر تصویری ایجاد می‌کند که از واقعیت تهی است و نمودی بی‌بود است. پس تصویر یک تخت درست به‌گونه‌ای که در واقعیت دیده و استفاده می‌شود هرچند ماهرانه انجام می‌شود نشانه دانش یا اصالت هنری نیست. دانش هنری با الهام از خدایان پیوند دارد (بینای مطلق، ۱۳۹۵: ۴۷-۳۷).

۸-۱- انحطاط هنر در عصر افلاطون

در عصر سقراط و افلاطون، به‌طور کلی می‌توان از بحران دوگانه هنر و اندیشه^{۷۳} نام برد در واقع بحران یکی جدای از بحران آن دیگری نیست. در هر حال می‌توان انحطاط هنر اندیشیدن و سخن گفتن را سو فیست‌ها دانست هنرهای دیگر چون پیکره‌تراشی، صورت‌گری نیز دچار انحطاط شده بودند به‌طوری‌که هنر در این دوران به‌سوی نوعی رئالیسم^{۷۴} میل داشت و افلاطون، سخت به نقد هنر پندارآفرین می‌پردازد این هنر با به‌کار گرفتن ماهرانه پرسپکتیو^{۷۵} و ترکیب رنگ می‌کشد تا به این توهم دامن زند که نسخه اصلی دومی می‌آفریند این‌گونه تقلید را افلاطون عوام‌فریبی^{۷۶} و شعبده‌بازی^{۷۷} خوانده است. زیرا مدعی تولید صورت اصلی یک جاندار را بی‌آفریند. انسان نمی‌تواند هستی چیزها را به تمام و کمال مجسم گرداند از این‌رو ناتوان از آفرینش است از همین‌روی

هنر واقعی به بازآفرینی دروغین و فریبندهٔ ظواهر نمی‌پردازد بلکه بر مطالعه و بررسی عمیق اندازه‌ها مبتنی است همچنین جدا شدن هنر از حقیقت و زیبایی نه تنها به انحطاط هنر که به ترویج بدآموزی و عوام‌زدگی نیز می‌انجامد.

۹- هنر ۷۸

هنر را می‌توان به جهات گستردهٔ تعریف کرد (شکل ۱)، هنر یک نوع تقلید از طبیعت خداوندگار، بیان احساس - خیال هنرمند،^{۷۹} عالم معنا - در رابطه با هویت^{۸۰} و غیره تعریف نمود. طوری که در تعریف هنر عنصری منحصر به فرد از زیبایی^{۸۱} می‌توان دید به بیان دیگر هنر زیبای آفرین بدیع و نخستین کار در زیبایی: زیبایی‌شناسی - زیبایی‌شناختی تعیین چستی زیبایی که برای تعیین مراد از زیبایی و فلسفهٔ هنر سرشت زیبایی و ادراک مؤثر بوده است. تجربهٔ زیبایی تجربه‌ای که توسط یک شیء زیبا، از قبیل نقاشی، رقص، موسیقی، معماری و غیره به وجود می‌آید. وجودیت هنر به مسائلی می‌پردازد و تلاش برای جاودانه کردن اثر هنری در حیطه و قلمرو زیبایی هنری می‌نگرد و گاهاً باهم تداخل دارند و بسیاری از چیزهای که نام هنری به خود می‌گیرند زیبا هستند و بسیاری از چیزهای که زیبا دانسته می‌شوند هنراند مانند گل [...] - غروب آفتاب [...]، که دارای تداخل و دارای همپوشانی‌اند. در فرهنگ غرب تا اواخر سدهٔ نوزدهم مخاطبان هنر، عموماً همه چیز از آثار هنری زیبا به عمل می‌آوردند و تصورات از هنر و زیبایی را به نحو وثیقی با یکدیگر مرتبط می‌دانستند. ولی این امر دیری نپایید که در سیطرهٔ تاریخ تعاریف گسترده به هنر و زیبایی مدنظر قرار گرفت.

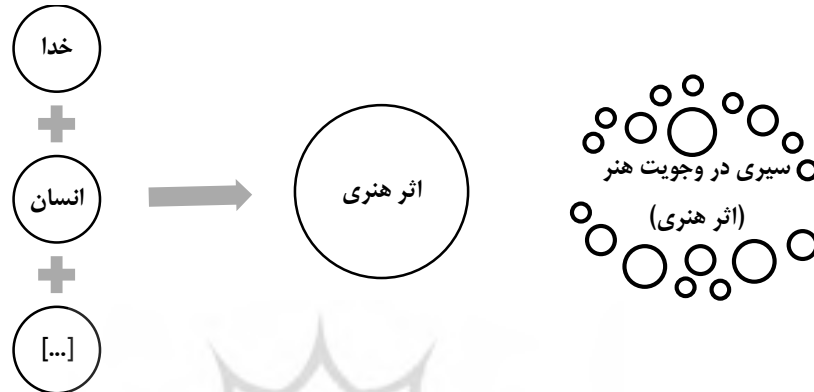


شکل ۱- گسترهٔ هنر (مأخذ: نگارندگان)

ذات^{۸۲} و نفس هنر امری معنوی و انسانی می‌باشد همچون ادب و عرفان به حساب می‌آید و نوعی علمی حضوری بوده نه حصولی لذا اکثر تعریف‌های بیان شده از هنر از سوی بزرگان، صاحب‌نظران انسانی در گنجهای رسا و دقیق منطقی نیستن و معمولاً جنبهٔ ذوقی و توصیفی دارد همچنین هنر منشأ صناعی دارد و جنبشی از سوی انسان - هنرمند بوده که تا به وسیلهٔ آن بتوان درد هجران را کاهش داد طوری که هنر مجموعه‌ای از آثار و فرآیندهای گستردهٔ ساخت انسان بوده است که در جهت اثرگذاری و تأثیرپذیری بر عواطف، احساسات، معناها و ادراک انسانی به منظور انتقال یک معنا با مفهوم خلق اثر می‌گردد که نتیجهٔ آن تعاریف و دیدگاه‌های متفاوتی دربارهٔ هنر ایجاد می‌شود. عده‌ای هنر را همچون کالایی می‌دانند که در جامعه و آدمی ایفای نقش می‌نماید لذا در این مورد باید گفت که اگرچه برای تولید هنر و برای گذران زندگی هنرمند و حتی برای استفادهٔ انسان‌ها از هنر، ضوابط و قواعدی مطرح بوده است. دیدگاه دیگر اقشار مرفه‌ای هستند که هنر را به‌عنوان گذران اوقات فراغت و یا خودنمایی می‌دانند در خود می‌دانند طوری که این دیدگاه به دلیل ماهیت مادی، زمینهٔ را برای گوشه‌گیری هنر حقیقی برخوردار می‌کند. گونه‌های عظیم بسیاری از این نگرش‌ها آن بوده است که هنر را از متن زندگی رها شده دانسته و یا سبب این تمایز و جدایی بازگو می‌نگرد و گوشه‌ای خاص از زندگی را به آن واگذار می‌کنند. در نتیجه اگر بپذیریم که هنر، بیان زیبایی و تجلی کالبدی بخشیدن به زیبایی‌های معنوی و آرامش بخشیدن به روان ناآرام انسان و برابر کنندهٔ روح انسانی و قابل تحمیل‌کنندهٔ غربت او در این جهان مادی است، آن‌گاه اهمیت هنر و حضور آن در زندگی آفرینش و روشن می‌گردد در نهایت در این زمان است که هنر، در برخی رشته‌ها به‌نام هنرهای زیبا خلاصه نمی‌شود.

۹-۱- اثر هنری ۸۲

اثر هنری به معنای واقعی کلمه معنای گسترش یافته یک عنوان هنری بوده می‌باشد که پدیدآورندگان آن را خلق کرده‌اند. هنری یکی از نمودها و جلوه‌های آفرینش با شگفتی‌های خارق‌العاده حیات آدمی می‌باشد طوری که یک اثر هنری جایگاه رسیدن روحی انسان با درگاه خداوندگار که در نهایت منجر به نبوغ هنری شده و در نتیجه براساس (شکل ۲)، ارتباط گسترش یافته با دیگر انسان‌ها در روح‌مکان^{۸۳} می‌گردد (جعفری تبری، ۱۳۸۱: ۳۸-۱۹). به‌طور کلی هنر امروزه بسیاری از مبانی تعاریف گذشته (سنتی)، را پریشان می‌کند و چارچوب‌های گذشته جلوتر می‌رود. یک اثر هنری می‌تواند نشانه یک فرهنگ: گذشته - دنیای امروزی و یا ایدئولوژی، که ماهیت خود هنر با آمیزه‌های اثر هنری در زمان - مکان و فضا، با وجود هنرمند و مخاطب با عواملی چون خلاقیت، خیال، ایده، نور، صدا و غیره توأمان در یک اثری هنری تبیین می‌گردد. اثر هنری در رابطه با آثار هنری را می‌توان یک نوع کالاهایی منحصر به فرد دانست به بیان دیگر اثر هنری قدرت بیان‌گری فوق‌العاده‌ای در آثار دارد همچون موزه‌ها، کاخ‌ها و دیگر آثار هنری دارد که هریک جذابیتی برای روح انسان دارد که وجودیت هنر را می‌توان در رابطه با هنرهای وابسته به انسان پی‌برد.



شکل ۲- اثر هنری (مأخذ: نگاندگان)

این فرهود که هنر راستینگی یا عالمی ساختگی است بازدارنده استفاده کردن از اشیای واقعی نیست. در هنر اشیاء دو جنبه متفاوت دارند که ساختارشان به مشاهده‌گر اجازه می‌دهد تا از رمز میان اشیای واقعی و ساختگی گذر کند. به‌طور مثال، وقتی یک فیلمی را مشاهده می‌کنیم درون فیلم اشیای متعددی می‌توانند باشند، برای مثال یک دوچرخه که در عالم واقعی یک شیء دست‌ساز ساخت انسان بوده است و نه یک اثر هنری، اما زمانی که این دوچرخه در فیلم است درواقع، بخشی از یک اثر هنری به‌شمار می‌آید. بنابراین، دو جنبه متفاوت موردنظر، به همان تمایز میان واقعی بودن و ساختگی بودن یک شیء باز می‌گردد، تمایزی که درون فیلم نادیده گرفته می‌شود و نقطه کور مشاهده به‌شمار می‌آید (Jerslev, 2002: 119-122).

۹-۲- رابطه هنر و تصویرگری

رابطه هنر و تصویرگری، نوعی تجسم تصویری یک ابژه یا موضوع برای نمایش بهتر روح‌فضا^{۸۴} و یا در نهایت درک بهتر آن می‌باشد. تصویرسازی و مصورکردن، تصویرگری تنها با ابزار طراحی و نقاشی انجام نمی‌گیرد بلکه امروزه طراحان و تصویرگران، از امکانات بیانی هر هنر تصویری دیگری برای به‌تصویر کشاندن موضوع خود استفاده می‌کنند. طوری که آن‌ها از عکاسی، معماری، حکاکی، مجسمه‌سازی، تئاتر و غیره بهره می‌برند درواقع می‌توان گفت بیان تصویری در تمام هنرها یکسان عمل می‌کند هرچند که وسایل و شیوه‌های به‌کارگیری در عملی کردن اجرایی آن‌ها با هم متفاوت می‌باشد (مبیز، ۱۳۸۲: ۱۰۶-۵۰).

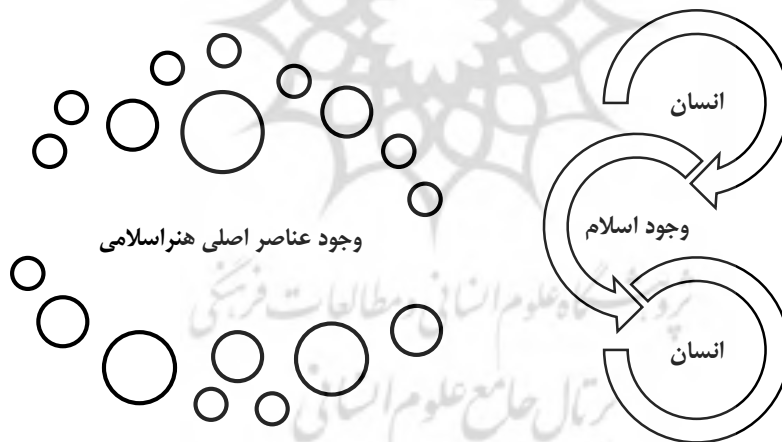
۹-۳- رابطه هنر و زبان

توان و توانایی گونه‌سازی بشریت می‌باشد که پایه تمدن - فرهنگ و هنر را به‌عمل می‌آورد. زبان فرهنگ و هنر هر جامعه‌ای در قالب رفتارها اجتماعی، مذهبی، معماری و غیره جزء پایه‌گذارترین میراث ملتها به‌شمار می‌آید. طوری که زبان^{۸۵} به شکلی وسیع و گسترده در تمامی صورت‌های زندگی انسانی درخشیده شده است. زبان به معنی واقعی کلمه، برجسته‌ترین تجلی‌گاه زندگی انسانی بوده و هنر، والاترین اوج زندگی بشریت به‌حساب می‌آید همچنین به تقاطع فرایند^{۸۶} ساخت اثر و تشکیل زبان، عاملی دیگر به‌عنوان ارزش‌های زیبایی در آثار هنری و زیبایی‌شناسی - زیبایی‌شناختی در ساخت اثرها پدیدار می‌گردد این نوع از زبان شکلی زبان هنری خلق و به‌وجود می‌آورد چنین عامل به شیوه ساخت اثر و پرداخت آن با نشانه‌های وابسته به آن و زبان که دربرگیرنده تمام نشانه‌ها به‌شمار می‌رود وابسته می‌گردد. دگرگونی‌های اشیاء و شیء‌ها و چیزهای هنری از دیگر شیء‌ها و زبان هنری از دیگر زبان‌ها و نشانه‌های هنری از دیگر نشانه‌ها مربوط به شیوه ساخت اثر و پرداخت آن‌ها بوده و جنبه زیبایی‌شناسی - زیبایی‌شناختی

شیءها را بر راهنمای‌های آنان برتری دانسته همچون کیفیت و ساخت گونه هنری روشن‌گر این موضوع بوده است ولی به کار بردن روشن‌گری یک گونه - اثر و شکل، نمی‌تواند تعیین‌کننده تبیین کیفیت هنری آن با صور باشد. بنابراین زبان هنری و زبان اندازه آن به بیانی دیگر زبانی که در اجتماع بیان افکار و احساسات معناها و نگرش درخواست انسانی بوده که هر دو بیان‌گر این موضوع می‌باشند یعنی در انتقال عواطف و احساسات و نیازهای انسانی مشترک به حساب می‌آید تنها تفاوت بین زبان هنری و زبان اندازه (معیار)، این است که زبان اندازه - معیار، دارای عدم کیفیت ذات پدیده هنری می‌باشد. زبان هنری توانایی چگونگی زیبایی‌شناسی - زیبایی‌شناختی است به توصیفی دیگر، همه زبان‌ها دارای فرم و عملکرد گونه‌ای اند طوری که فرم‌ها و گونه‌های صورت هنری که مربوط به کیفیت ساخت اثر بوده در آن‌ها با فرم‌ها و گونه‌های زبان اندازه - معیار که به انگیزه جابه‌جایی آرمان مخاطبان در یک پروسه اجتماعی ابداع هنرمندانه چیزی در اصالت^{۸۷} آن بوده است که در اثر آن ابزارهای راهنمایی نوع شرط صورت امری در پیرامون به حسای می‌آید و معمولاً دارای تفاوت هستند دگرگونی و تفاوت‌های جلوه‌های هنری با جلوه‌های غیرهنری در خود جلوه‌هاست نه در واگذاری آن‌ها به آرزوها و دریافت‌های آرمان‌ها.

۱۰- وجودیت هنر در رابطه با سیر وجودیت هنراسلامی

سراغاز هنراسلامی^{۸۸} را می‌توان با هجرت پیامبر اسلام محمد (ص)، به مدینه در ۶۲۲ میلادی رخ داد بیان نمود براساس (شکل ۳)، می‌توان وجود عناصر اصلی را در سیر وجودی هنر درک نمود که با گذشت دو دهه مسلمانان، سوریه و مصر را از امپراطوری بیزانس و عراق و ایران را از ساسانیان جدا نموده‌اند. گرچه ظهور اسلام سراغازی تازه و مهم در تاریخ جهان اسلام با فتح ایالات بیزانس و شاهنشاهی ساسانی که میراث فرهنگی عظیم برجای گذاشت ایجاد گردید و تأثیر آن در جهان اسلام ده‌ها، سده‌ها و قرن‌ها دوام یافت و اهمیت آن با سبک و شیوه غیرتصویری شرق نقش برابر ایفاء می‌کرد (تالوت‌رایس، ۱۳۷۵: ۵). طوری که رواج گرایش‌های گوناگون و متفاوت با پذیرفتن خط عربی، که یکی از انواع آن بیش از هر عنوان دیگر سبک متمایز در هنر جهان اسلام بود هیچ عوامل ویژه نژاد یا سیاسی درون خود برخورد نکرد مگر با وابستگی‌های عقیدتی، به بیان دیگر هنراسلامی را می‌توان ماهیتی دینی و معنوی بیان نمود که نشان‌دهنده مفهومی با جلوه زیبایی‌شناسی در درک زیبایی‌شناختی آن و هماهنگی با اجزاء سازنده آن در جزء و کل بوده است. به‌طور عملکردی هنراسلامی را می‌توان در نگاه اسلام به زیبایی که تجلی حقیقت جهان هستی با هر پدیده‌ای الهی متجلی یافته حاصل می‌گردد.



شکل ۳- پیدایش سراغاز هنراسلامی (مأخذ: نگارندگان)

هنراسلامی، همان هنر قدسی است که پیام‌آور پیام الهی به انسان که ریشه در ژرف تفکرهای معنوی و الهی در لابه‌لای هنرها متجلی می‌یابد یعنی به تعبیری دیگر نمایانیدن معنا تا جای ممکن با تأثیرات شفاف‌پذیر و درعین‌حال سازگار با روح اسلام - انسان، در مکان مقدس که سرم‌شاء و خاستگاه هنراسلامی در جهان‌بینی محوری با وحدانیت و وحدت در کثرت آن می‌باشد و می‌توان در عالم سیطره از پدیده‌های خداوند متعال در جهان اسلام تداعی نمود. هنراسلامی را می‌توان شامل ویژگی‌های مختلف و جنبه‌های گوناگون که بیان‌گر خصیصه و خصوصیات ویژه بوده است به تعبیری دیگر این رویکرد برخوردی نشانه‌شناسانه و ماهیت هنراسلامی را می‌توان در نقشه‌ای که بر ماهیت وجودی آن که هریک تعریفی بازتولید می‌نماید (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۲۶). چراکه این‌گونه موارد جایگاه هر ساختار از پیش تعیین گشته شده و نوع آزادی و انسجام را از بین می‌برد (سوسور، ۱۳۷۸: ۲۴). وجود حکمت^{۸۹} و هنرهای اسلامی را می‌توان مبتنی بر حکمت علمی و عملی، با ویژگی‌های نوع حکمت با شکل مبتنی بر حکمت حقیقت با عطیه‌ای الهی^{۹۰} دانست. چنین شکلی از هنراسلامی را می‌توان خالق اثری هنری و انسان، نمایان‌گر حقیقت محض با انسان

کامل بیان نمود. هنر اسلامی به عنوان هنری که دربردارنده روح اسلام^{۹۱} بوده و توسط انسان به وجود می آید و بر پایه حکمت و معرفت^{۹۲} و حقیقت بنا می شود تجلی می یابد به عبارتی می توان هنر اسلامی را مجلای حکمت و زیبایی و وحدت در نمونه های موجود می توان در خود جای داد پس زیبایی هنر اسلامی بیش از هر چیز ناشی از حکمت است که مبنای آن قرار گرفته و با هر عنصر در اثر حکیمانه می باشد (کرامت، گودرزی، ۱۳۹۳: ۱۳).

۱-۱۰- وجودیت هنر در رابطه با تجلی هنر اسلامی تا عالم خیال^{۹۳}

تجلی در عالم خیال در اصل تجلی عرفان اسلامی، مناظری از حق که پروردگار یکتا در آن حضور دارد که در واقع علاوه بر رویت خداوندگار، بر قلب عارفان در کشف خویش بر هنر و معماری اسلامی متجلی گر آن و شکل دهنده آن در بیان خویش و خیال بوده است. چراکه هنر اسلامی تجلی «تجلی»، بوده است. زیرا جوهره خود را از عالمی می گیرد که خود مانند آینه، تصویر شفاف و فراتر از آن می باشد. همچنین با رمزگشایی از مفهوم خیال در هنر و عرفان اسلامی می توان نسبت این جهان و عالم دیگر را کشف نمود طوری که همین عالم مثال یا خیال وجود مطلق ازلی بوده را برخوردار می باشد (بلخاری، ۱۳۹۴: ۳۹۵-۲۰۰). همچنین برای تجلی و عدم تجلی در آثار هنر اسلامی با مقایسه صفات براساس (جدول ۵)، می توان درک کامل از تجلی در آثار هنرهای اسلامی بیان نمود.

جدول ۵- مقایسه صفات^{۹۴} تجلی و عدم تجلی در آثار هنر اسلامی (مأخذ: جمع آوری توسط نگارندگان)

صفات تجلی و عدم تجلی در آثار هنر اسلامی (براساس حروف الفباء)	تجلی	عدم تجلی
باعت	پرجاذبه	بی جاذبه
حق	درست	نادرست
حی	زنده	مرده
سلام	آرامش بخش	اضطراب آور
صفت	دارای صفات الهی	عدم صفات الهی
عالی	جنبه معنوی	جنبه مبتذل
عدل	متناسب	نامتناسب
عظیم	باشکوه	حقیر
قدوس	بدون ایراد	پرعیب و ایراد
قیوم	پرحرکت	ضعیف
کمال	بی نقص	ناقص
مبین	گویا	گنگ
مفید	لازم	بی فایده

۱۰-۲- وجودیت هنر در رابطه با تجلی هنر اسلامی - (عالم اسلام)

هنریت هنر دینی،^{۹۵} هنری است که دسته های خود را از دین گرفته است، اما به طور غیرمستقیم به ریشه های مذهبی اشاره دارد. به عنوان مثال مینیاتور در مقایسه با قرآن مجید به عنوان هنر قدسی و یا مثلاً شمایل نگاری در عین این که در مسیحیت هنری قدسی است، در عالم اسلام می تواند دربرداشتن مضامینی دینی، به عنوان هنر دینی مطرح گردد. هنر دینی در پی تجلی بخشیدن به اصل و روحی است که کلام از ذکر آن قاصر است طوری که دنیوی نیست و در پی ایجاد ارتباط بین انسان و ماوراءالطبیعه - اسرارآمیز است (مددپور، ۱۳۸۷: ۱۹۵-۳۶). هنر اسلامی متعلق به عالمی بوده است که معنویت باطن و زیبایی آن حقیقتی می باشد که صور هنری تجلی یافته است (نوروزی طلب، ۱۳۸۸: ۳۱-۴). در واقع هنر اسلامی جمال الهی را به صورت نشانه های الهی به انسان القاء می کند که همراه با زیبایی موجود در طبیعت که واقعاً هم زیبا بوده حکایت دارد به عبارتی دیگر فی نفسه به صورت مستقل و بدون انتساب به حق نمی توان با خود عالم سروکار داشت بلکه با عالمی که نسبتی با حق داشته باشد می توان آن را جست و جو نمود (پازوکی، ۱۳۹۲: ۹۵-۸۰). هنر را می توان بازتاب حقایق معنوی در موارد شکل گرفته با حقایق و نقش و نشان آن ها دریافت و هنرمند با ادراک ساختن این حقایق را به عنوان شواهد در عالم حق می پندارد معنا نمود (لوئیس میکون، ۱۳۹۰، ۱۹۸). هنر اسلامی دعوت الهی به حق نشأت می گیرد و صورتی از عشق ابدی با مخاطب به سوی کمال می برد و می توان توصیف کرد (هاشمی نژاد، معتمدی، ۱۳۸۷: ۲۷۶-۲۶۵). که هنرهای اسلامی بیان روایی است که بسیاری از جنبه های مهم اعم از اسلام و فرهنگ اسلامی با بصیرت در معماری و دیگر هنرها در دوره اسلامی جلوه گر هنر اسلامی می باشد.

۱۱- نتیجه‌گیری

هنر می‌تواند یک مقام والا از توصیف خیال‌انگیز ۹۶ و شگفت‌آفرین بهره‌مند گردد و با زبان خود، خود را شیفته زیبایی در سیطره دوران در تاریخ گردد. کار هنر و وجودیت هنر در رابطه با هنرهای وابسته ایجاد جاذبه - گیرایی باشد چه‌بسا که هنر هم می‌تواند خوب و هم بد باشد طوری که هنرمند هم می‌تواند کار پیامبری را انجام دهد و هم کار شیطانی (شیطان بعضاً خود انسان است تا خود شیطان)، را انجام دهد. هنر یک عنوان بی‌تعهد هست و هر چیز غیرممکن را ممکن می‌سازد و آن را به‌صورت آرایه و تزئین یافته در اختیار انسان مخاطب و جهان بشریت می‌گذارد. همچنین در رابطه با این سخنان براساس (جدول ۶)، می‌توان جایگاه هنر در هنر برای انسان با محوریت هنری بازگو کرد.

جدول ۶- برخی از دیدگاه‌های هنر در هنر برای انسان (مأخذ: جمع‌آوری توسط نگارندگان)

«آگوست رودن» ^{۹۷} «هنر یگانه حقیقت است»
«سر هربرت ادوارد رید» ^{۹۸} «غایت بنیادین هنرمند عمان غایت عالم علم تجربی است بیان واقعیت»
«جیمز مک‌نیل ویسلر» ^{۹۹} «هنر باید مستقل از گرافه‌گویی‌های چون سرسپاری، شفقت، عشق، وطن‌پرستی و امثال آن‌ها باشد»
«جرج سانتایانا» ^{۱۰۰} «موضوع هنر زندگی است، زندگی چنانکه واقعاً هست؛ اما کارکرد هنر آن است که زندگی را بهبود ببخشد»
«لئو تولستوی» ^{۱۰۱} «هنر فعالیتی انسانی است که غایتش انتقال والاترین و بهترین احساساتی است که آدمیان بدان ره برده‌اند»

در سیر وجودیت اثر و پدیده اثری از هنر و اینکه هنرمند چگونه این نوع اثر را به‌تصویر می‌کشد و آن را خلق می‌نماید با توجه به روشی که هنرمندان، معماران، نقاشان، داستان‌نویسان و غیره در رویارویی با پدیده‌ها و انتقال دادن آگاهی‌ها معرفی می‌گردد تبیین می‌شود. تصاویری که در ذهن هنرمند ایجاد می‌گردند جزوی توصیفی یک خیال بوده با این تفاوت که زبان، عامل پیدایش آن با خیال می‌باشد و ذهن، جریان بصری و تصویر آن از خیال بوده است مانند تصاویری که هنرمند اثر را خلق می‌کند. وقتی یا هنگامی که یک اثر هنری به اتمام می‌رسد و برای دید عموم به مخاطبان عرضه می‌گردد مانند موسیقی، نمایش‌نامه، معماری، عکاسی و غیره به‌نمایش گذارده می‌شود دیگر در تملک ۱۰۲ خود واقعی هنرمند نیست بلکه تبدیل به چیزی می‌شود جدا و مستقل طوری که مخاطبان می‌توانند نادیده‌اش بگیرند یا هر معنا و غایتی که در دلش هست از خود بیان دارند.

وجودیت هنر در رابطه با هنراسلامی، هنری بوده است برگرفته از استعارات و مفاهیم اسلامی که با گسترش بسیاری برخوردار می‌باشد آنچه می‌توان در این پژوهش درخصوص هنراسلامی نتیجه گرفت وحدت آن در جهان اسلام با یک اثر هنری با جنبه قدسی مستتر برخوردار می‌باشد طوری که زیبایی را می‌توان بازتابی از صورت الهی دانست که آمیزه با حقیقت مستور با اثر هنری در صورت ما محسوس می‌گردد. هنراسلامی را می‌توان اساساً از توحید و وحدت‌الهی با مشاهده آن سرچشمه گرفت و شکل آن را راز جاودانگی هنراسلامی دانست. هنراسلامی موضوعی بااهمیت بسیار بوده که هنرمندان و مسلمانان در ساخت ابزارهای هنری در ساحت مادی و معنوی اثر، به‌دقت ملاحظه می‌کردند و نیز با توجه به ساحت مقدس ۱۰۳ معنوی و خصوصیات هنری که هر یک دارای ویژگی منحصربه‌فرد و دارای شأن معنوی بوده می‌دانستند و با توجه به شایستگی و احترام برای ساخت آن ابزارهای مهم و اصولی برای تحقق اهداف و خلق اثر با شناخت ذاتی هنراسلامی در وجود هنرهای اسلامی، با آداب و فرهنگ در وقوف حقیقت هنرها، با زیبایی هویت در جهت هویت هنر در جهان اسلام با اهداف بنیادین و تأثیرگذار تلقی گردد. می‌توان گفت هنراسلامی یک اثر غیرالهی، اسلامی بوده که هنرمندان و معماران جهان اسلام با تقرب به خداوند متعال از نفسیات خود فاصله، با طبیعت و جهان هستی از منظر حقیقت و سیرت وجودی می‌نگرند که با پیرو از این نوع از هنر سنتی می‌توان در جهت کشف حقایق و هویت هنرها در جهان با هر ویژگی و هر خصوصیتی در جهت حکمت هنراسلامی و ذات مقدس آن ازلی در جهان اسلام به تجلی ۱۰۴ و تداعی آن در متجلی کردن هنرها قرار گیرد برخوردار گردید.

بنابراین می‌توان گفت هنر تجربه از زیبایی در زیبایی‌شناسی - زیبایی‌شناختی «زیباشناختی هنر» ارتباطی تجربی برای انسان بوده است که عرصه رسیدن مشاهدات متعدد به یکدیگر می‌باشد. به‌نظر می‌رسد آنچه که یک اثر هنری را زیبا می‌سازد تأثیر خود و ساخت آن در رابطه با استعداد انسان هنرمند و تأثیرپذیری آن بر مخاطب می‌باشد. پس وجودیت هنر در رابطه با هنرهای وابسته این چنین است که هنر بودن یا نبودن چیزی در سیر هنر از طریق ارتباطات انسان‌ها تعیین می‌گردد پس در شرایطی گوناگون هنر با وجود ارتباط، جاودانه می‌گردد. سخن آخر: «هنر برای هنرمند و هنرمند برای هنر با عالم درگاه خداوند و در رابطه با انسان».

1. Special Feeling
2. Person
3. Spiritual, Patina
4. Create, Originate
5. Form
6. Virtually Semantic
7. The Concept of Understanding
8. The Existence of Creation
9. Culture
10. Religion
11. Mental Structure
12. Perception
13. Mentality
14. Nature
15. Existence of Art
16. Linguistics-Linguistic
17. Painting
18. Architecture
19. Sculpture
20. Statuary
21. Belles Lettres
22. Show
23. Philosophy
24. Action
25. Beautiful Philosophical Arts
26. Creation of Islamic Art
27. Gnosticism
28. Poem, Poetry
29. Music
30. Nature
31. Phenomenology
32. Imitation
33. Mental
34. Objective
35. Wisdom, Knowledge
36. Conceptual Art
37. Horst Woldemar Janson
38. Anthony F Janson
39. Mohammad Taghi Faramarzi
40. Marilyn Stoktsad
41. Behrad Amin Salmasi
42. Anahita Moghbeli
43. Arnold Hauser
44. Helen Gardner
45. Saeed Azemati
46. Ahmed Jolie
47. Abolfazl Haddad
48. Mohammad Reza Moridi
49. Masoumeh Taghizadegan
50. Hadi Abdollahi
51. Hadi Sadeghi
52. Ferdos Hajian
53. Ideology
54. Imaginable, Conceivable
55. Mohammad Dabdabeh
56. Majid Rezvanpanah
57. Shabnam Dabdabeh
58. Seyyed Hossein Nasr
59. Paul Wood
60. Howard Caygill
61. Titus Burckhardt
62. Mulla Sadra
63. Gilles Deleuze
64. Claude Levi-Strauss
65. Uniqueness, Unique
66. Imitationism
67. Emotionalism
68. Formalism
69. Instrumentation
70. Institutionalism
71. Analysis
72. Art and Plato
73. Idea, Reflection
74. Realism
75. Perspective
76. Demagoguery
77. Conjure, Juggle
78. Art
79. The artist's imagination
80. Identity
81. Beauty
82. Artwork
83. Sense loci, Spirit of Place
84. The spirit of space
85. Language
86. Process
87. Authenticity, Originality, Idealism
88. The Beginning of Islamic Art
89. Wisdom
90. Divine Gift
91. Spirit of Islam
92. Knowledge
93. Imagine
94. Characteristics
95. Religious Art
96. Dreamy, Imaginative
97. Auguste Rodin
98. Herbert Read
99. James Abbott McNeill Whistler
100. George Santayana
101. Leo Tolstoy
102. Acquisition
103. Sacredness
104. Manifestation

منابع

۱. استاکستاد، (۱۳۹۶)، «تاریخ هنر (به انضمام مختصر عناصر معماری دوران)»، ترجمه و تدوین: بهراد امین سلماسی و آناهیتا مقبلی، چاپ اول، تهران: انتشارات فخرآکیا.
۲. بلخاری قهی، حسن، (۱۳۸۴)، «مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی: وحدت وجود و وحدت شهود (جلد ۲)»، چاپ اول، تهران: انتشارات سوره مهر وابسته به هنر.
۳. بورکهارت، تیتوس، (۱۳۶۹)، «هنر مقدس: اصول و روش‌ها»، ترجمه: جلال ستاری، تهران: انتشارات سروش.

۴. بینای مطلق، سعید، (۱۳۹۵)، «هنر در نظر افلاطون (۱)»، چاپ چهارم، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، موسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
۵. پازوکی، شهرام، (۱۳۹۲)، «حکمت هنر و زیبایی در اسلام»، چاپ سوم، تهران: مؤسسه تألیف ترجمه و نشر آثار هنری متن.
۶. تالیوت رایس، دیوید، (۱۳۷۵)، «هنراسلامی»، ترجمه ماه‌ملک بهار، چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. جعفری تبریزی، محمدتقی، (۱۳۸۱)، «زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام»، چاپ سوم، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار استاد علامه محمدتقی جعفری.
۸. جنسن، هوروست ولدمار، جنسن، انتونی ف، (۱۳۹۴)، «تاریخ هنر جهان»، ترجمه محمدتقی فرامرزی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مازیار.
۹. جولای، احمد، حداد، ابوالفضل (۱۳۹۴)، «بررسی و نقد کتاب جامعه‌شناسی هنر» پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پانزدهم، شماره دوم، صص ۸۱-۹۱.
۱۰. حاجیان، فردوس، (۱۳۹۱)، «هنر و خرد»، فصلنامه علمی پژوهشی - پژوهش دینی، شماره ۲۴، صص ۱۴۶-۱۲۹.
۱۱. سوسور، فردیناندو، (۱۳۷۸)، «دوره زبان‌شناسی عمومی»، ترجمه کوروش صفوی، چاپ اول، تهران: انتشارات هرمس.
۱۲. صادقی، هادی، (۱۳۹۲)، «ویژگی‌های هنر زمینه‌ساز»، فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۴۵-۶۴.
۱۳. عظمتی، سعید، (۱۳۹۳)، «هنر محیطی»، فصلنامه نقد کتاب هنر، سال اول، شماره ۳ و ۴، صص ۹۱-۱۱۲.
۱۴. فرامزقراملکی، احد، (۱۳۸۳)، «اصول و فنون پژوهش در گستره دین‌پژوهی»، چاپ اول، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۱۵. کرامت، زهره، گودرزی، مصطفی، (۱۳۹۳)، «تأملاتی در باب نسبت «حکمت هنراسلامی» و «فلسفه هنراسلامی»»، فصلنامه علمی - پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۱۹، صص ۱۳-۲۴.
۱۶. کیگیل، هاوارد، کول، الکس، (۱۳۸۰)، «والتر بنیامین: قدم اول»، طراح: آندرژ ژکلیموفسکی، ترجمه: علی معظمی‌چهرمی، چاپ دوم، تهران: انتشارات شیرازه.
۱۷. گاردنر، هلن، (۱۳۹۸)، «هنر در گذر زمان / با تجدید نظر هورست دلاکروا و ریچارد ج. تنسی»، ترجمه محمدتقی فرامرزی، چاپ بیست‌وششم، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
۱۸. لویی‌میکون، ژان، (۱۳۹۰)، «از وحی قرآنی تا هنراسلامی در کتاب «هنر و معنویت»»، ترجمه انشاءالله رحمتی، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر، موسسه تألیف ترجمه و نشر آثار هنری متن.
۱۹. مددپور، محمد، (۱۳۸۳)، «آشنایی با آرای متفکران درباره هنر: هنر و زیبایی در نظر شرق (جلد ۱)»، چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر وابسته به هنر.
۲۰. مددپور، محمد، (۱۳۸۷)، «تجلیات حکمت معنوی در هنراسلامی»، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۲۱. مریدی، محمدرضا، تقی‌زادگان، معصومه، عبداللهی، هادی، (۱۳۹۲)، «تحلیل گفتمان‌های هنر در ژئوپولیتیک جهان اسلام»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات ملی؛ ۵۴، سال چهاردهم، شماره ۲، صص ۷۳-۹۷.
۲۲. ممیز، مرتضی، (۱۳۸۲)، «حرف‌های تجربه»، چاپ اول، تهران: نشر دید.
۲۳. مهدوی‌نژاد، محمدجواد، (۱۳۸۱)، «هنراسلامی در چالش مفاهیم معاصر و افق‌های جدید»، فصلنامه علمی - پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۱۲، صص ۳۲-۲۳.
۲۴. نقی‌زاده، محمد، (۱۳۸۶)، «جستاری در چیستی اسلامیت هنر و معماری ایران»، ماهنامه تخصصی کتاب ماه هنر، شماره ۱۰۳ و ۱۰۴، صص ۱۲-۴.
۲۵. نورزی‌طلب، علی‌رضا، (۱۳۸۸)، «زیبایی و ذات‌شناسی هنراسلامی»، ماهنامه تخصصی کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۹، صص ۳۱-۴.
۲۶. هاشمی‌نژاد، علیرضا، معتمدی، طیبیه، (۱۳۸۷)، «ضرورت درک مرتبه زیبایی در هنراسلامی»، فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات ایرانی، شماره ۲۷۶-۲۶۵.
۲۷. هاووزر، آرنولد، (۱۳۹۷)، «فلسفه تاریخ هنر»، ترجمه محمد تقی فرامرزی، چاپ ششم، تهران: انتشارات نگاه.

28. Jerslev, Anne, (2002), Realism and Reality in Film and Media, Museum Tusculanum Press, University of Copenhagen .